

**مقدمه**

در عصر کنونی که شاهد رشد روز افزون علم و صنعت و به وجود آمدن شاخه های جدیدی در علوم مختلف هستیم و با عنایت به اینکه علم حقوق نیز باید به واسطه رشد سایر علوم و به وجود آمدن مواردی که نیاز به ایجاد تعاریف خاص حقوقی می باشد باید حرکت رو به رشدی داشته و جوابگوی سوالات و رفع ابهامات موجود باشد لذا در این راستا حقوق مالکیت فکری که جزو ابداعات جدید عرصه علم حقوق است و در صدد پاسخگویی به مسائل به وجود آمده جدید در حیطه اختراعات و ابتکارات و تالیفات است لذا ضروری به نظر می رسد تا تحقیقات بیشتری در این خصوص صورت بگیرد .

حقوق مالکیت فکری مفاهیم و ابعاد آن

حقوق مالکیت فکری، مفهوم حقوقی نوینی است که چگونگی حمایت و استفاده از آفرینش های فکری بشر را تعیین می کند و مشتمل بر دو رکن مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی- هنری می باشد. مالکیت صنعتی از اختراعات، طرح های صنعتی، علائم تجاری یا خدماتی، اسامی تجاری، حق کسب و پیشه در تجارت و... محافظت می کند و مالکیت ادبی و هنری از آثار ادبی و هنری و آفریده های مرتبط با آن حمایت می نماید. حقوق مالکیت فکری اغلب در کشور ما به "حقوق مالکیت معنوی" ترجمه شده است که به نظر می رسد کلمه "معنوی" به خاطر معانی گسترده اش آنگونه که باید و شاید حق مطلب را در رابطه با معنی و مقصود مورد نظر ادا نمی کند. به عبارت روشن تر و به اصطلاح اهل منطق، این کلمه جامع هست اما مانع نیست. چرا که اغلب در مقابل مادی، صوری و ظاهری تعریف شده است؛ [1] در حالیکه مقصود و منظور از این نوع مالکیت، حقوقی است که نشأت گرفته از فکر، اندیشه و قوه تعقل انسان می باشد. دکتر ناصر کاتوزیان حقوق معنوی را چنین تعریف کرده است: "حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می دهد." [2] موضوع مورد حمایت در این حقوق، آثار فکری و آفریده های خلاقانه بشری می باشد.

حقوق مالکیت ادبی و هنری یکی از دو بخش حقوق مالکیت فکری است که هدف آن حمایت و حفاظت از آثار ادبی، هنری و علمی می باشد. البته صاحب نظران و نویسندگان حقوقی کشور ما به جای "مالکیت ادبی و هنری" اغلب از "حق مؤلف" استفاده می کنند؛ هرچند در نگاه اول به نظر می رسد که حق مؤلف، ترکیب جامعی برای مالکیت ادبی و هنری نیست و عنوان مؤلف، بیشتر برای نویسندگان به کار می رود و ما به طور مثال عکاس مؤلف، یا مجسمه ساز مؤلف نداریم، اما این مشکل به پیشینه تاریخی تدوین حقوق فکری بر می گردد؛ چرا که اوایل، تنها کتاب ها و نویسندگان مورد حمایت بودند و به تدریج، همراه با پیشرفت جوامع، دیگر مخلوقات و ابتکارات بشری هم در زمره موضوعات مورد حمایت قرار گرفتند. در کشورهای انگلیسی زبان و آمریکا واژه "کپی رایت"، در آلمان واژه "urheberrecht" که به معنای "حق نویسندگان" است و واژه "droit dauteur" در فرانسه در معنا و به جای مالکیت ادبی و هنری استفاده می شود. [4] تعاریف های ذیل نمونه هایی از تعاریف حقوق دانان داخلی از این نوع مالکیت است:

1- "حق مؤلف عبارت است از سلطه و اختیارات مؤلف بر اثری که آن را خلق کرده یا به وجود آورده است." [5]
 2- "مجموعه حقوقی است که قانون برای آفریننده (خالق اثر) نسبت به مخلوق اندیشه و هوش او می شناسد. این حقوق عبارت است از حق انحصاری بهره برداری از آفرینه (اثر) برای مدت محدود به سود آفریننده آن و پس از مرگ برای ورثه او." [6]

3- در یک عقد معوض که موضوع آن مبادله مالکیت ادبی یا هنری یا امثال آنهاست معوض عبارت است از حق آفریننده و عوض عبارت است از مالی که به آفریننده برای استفاده از محصول اندیشه به نحوی از انحاء داده می شود که نام آن پدیدآورانه است که اعم از حق التالیف است چه حق التالیف فقط در قلمرو مالکیت ادبی به کار می رود.

4- در ماده 1 قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب 1348 نیز آمده است: "از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند، پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که

در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته "اثر" اطلاق می‌شود.

همان گونه که از تعاریف ارائه شده استنباط می‌شود حق مولف شامل دو حق معنوی و مادی یا مالی و اقتصادی است. حق معنوی حقی است که پدیدآورنده را قادر می‌سازد جهت حفاظت از ارتباط شخصی بین خود و اثر منتشره اش، اقدامات خاصی را اتخاذ کند. مثلاً تنها خود او می‌تواند به عنوان پدیدآورنده اثر نام برده شود و یا اجازه انتشار آن را داده یا مانع نشر آن شود و یا جلوی تحریف آن را بگیرد، در حالی که حق مادی، جنبه بهره‌برداری مالی و تحصیل منفعت تجاری را در نظر دارد، به این معنا که مشارالیه می‌تواند آن را نزد عموم عرضه نماید. حق اخیر بر خلاف حق معنوی، قابل انتقال و معامله است

مفاهیم و ابعاد حقوقی و اقتصادی مالکیت فکری

اهمیت و نقش مالکیت فکری در صحنه بین المللی به تدریج رو به گسترش است. جهانی شدن تجارت بدین معناست که آثار و تراوشات فکری انسان مانند اختراعات، طرحها، علائم و نامهای تجاری، کتابها، موسیقی و فیلم، اکنون در دسترس مردم اقصی نقاط جهان قرار گرفته است.

به تعبیر دبیرکل سازمان جهانی مالکیت فکری: مالکیت فکری ابزاری قدرتمند برای توسعه اقتصادی و ایجاد ثروت است که هنوز در همه کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه به نحو احسن به کار گرفته نشده است. مالکیت فکری، قدرت خلاقیت و ابتکار مربوط به آثار هنری یا حل مشکلات عملی، محدوده انحصاری هیچ کشور یا قومی نیست، بلکه منبعی از تواناییهای نامحدود است که در اختیار همگان قرار دارد. مالکیت فکری، نیرویی است که می‌توان از آن جهت پربار کردن زندگی افراد و آینده ملل از لحاظ مادی، فرهنگی و اجتماعی استفاده کرد.

نظام بین المللی مالکیت فکری با دو معاهده اصلی یعنی معاهده پاریس در سال 1883 جهت حمایت از مالکیت صنعتی و معاهده برن در سال 1886 برای حمایت از آثار ادبی و هنری در اذهان ریشه دواند. این تلاشها با تصویب موافقتنامه تریپس (TRIPS) در سال 1995 به اوج خود رسید. این موافقتنامه هفت نوع از انواع حقوق مالکیت فکری را پوشش می‌دهد: کپی رایت، علامت تجاری، نشانه های مبدأ جغرافیایی، طرحهای صنعتی، مدارهای کامل، اطلاعات محرمانه و حق اختراع. در عین حال معاهدات و اسناد قابل توجه دیگری نیز در این زمینه به مرور به تصویب رسیده اند که همگی نظام جامع حقوق مالکیت فکری را در سطح بین الملل تشکیل می‌دهند.

سازمان جهانی مالکیت فکری، سازمانی بین المللی است که هدف اصلی آن، تضمین حمایت از حقوق پدیدآورندگان و مالکان حقوق مالکیت صنعتی در سراسر جهان و همچنین شناسایی و قدردانی از مخترعان و نویسندگان به دلیل قوه ابتکار آنهاست. این حمایت بین المللی برای خلاقیت بشر بسیار حائز اهمیت بوده و باعث گسترش مرزهای صنعت و فناوری گردیده و در نتیجه موجب ارتقای سطح ادبیات و هنر در جهان و ایجاد محیطی باثبات برای بازاریابی تولیدات فکری و نهایتاً موجب حرکت چرخهای تجارت بین الملل خواهد شد.

نظام مالکیت فکری توازنی را میان منافع به وجودآورندگان فناوری نوین که اغلب به صورت وسیع از منابع و داده ها در ایجاد و توسعه فناوری استفاده می‌کنند و منافع به کارگیرندگان آن نوع فناوری که از آن به عنوان ابزار مهمی در جهت بهبود و پیشرفت تواناییهای فناورانه و رقابت در بازار بهره می‌گیرند، برقرار می‌سازد.

مهمترین نکته در حقوق اعطایی در چارچوب حقوق مالکیت فکری، خصیصه انحصاری بودن آنهاست. بدین مفهوم که بهره برداری از آن حقوق صرفاً متعلق به پدیدآورنده و مالک آن است و دیگران حق استفاده از آنها را بدون اجازه مالک ندارند و بدین جهت قابلیت خرید و فروش و امکان واگذاری این حقوق برای مدت معین، وجود خواهد داشت.

از دیدگاه حقوقی، مفهوم مالکیت معنوی یا حقوق معنوی را می‌توان به این ترتیب از زبان یکی از اساتید به نام حقوق، بیان کرد: در حقوق کنونی ارزشهایی شناخته شده است که قابل مبادله با پول است ولی نه بر شخص دیگری است و نه بر عینی، موضوع این حق با ارزش ابتکارها و تراوشهای ذهنی انسان است. به همین جهت نیز چنین حقی در دایره تقسیم حق دینی و عینی نمی‌گنجد و خود گروهی ویژه از اموال نوظهور را تشکیل می‌دهد که وصف مشترک آنها تکیه بر حاصل ابتکار و اندیشه انسان است و به همین اعتبار نیز حقوق معنوی نامیده می‌شود، مانند حق تألیف، حق اختراع، مالکیت صنعتی و تجاری، حق بر علائم تجاری و صنعتی. (حقوق اموال و مالکیت - دکتر ناصر کاتوزیان - صفحه 15)

در آخر می‌توان گفت هر چند حقوق مالکیت فکری و مفاهیم گسترده آن در بین اساتید حقوق ایران جایگاه خود را تا حدی یافته است و از لحاظ مبانی قانونی نیز قوانینی در این خصوص به تصویب رسیده ولی به نظر می‌رسد باید تحقیق و بررسی بیشتری در این خصوص صورت گرفته و به تبع آن خلق قانونی رفع گردیده وبا این امر موجب به وجود آمدن امنیت روانی بین مبتکرین و فعالان عرصه علمی و فرهنگی میهن عزیزمان باشیم

منابع

1- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد 14، ذیل لغت معنوی

۲- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ ششم، (انتشارات میزان، تهران، 1376) ص 23

۳- امانی، تقی، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری، چاپ اول، (انتشارات بهنامی، تهران 1383)، ص 51 و 52- گر باود، الفبای حقوق پدید آورنده

4- غلامرضا لایقی، چاپ اول (انتشارات خانه کتاب، 1380)، ص 50

۵- مشیریان، محمد، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، چاپ اول (انتشارات دانشگاه تهران، تهران 1339)، ص 15

۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، چاپ دوم (انتشارات گنج دانش، تهران 1370)، ص 164-7- پیشین، ص

